

تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ایران و ترکیه: مطالعه موردی جنبش مشروطه‌خواهی در ۱۹۰۶ و ۱۹۰۸

(صفحات ۱۱۳ تا ۱۴۴)

DOR:20.1001.1.17358663.1398.14.41.5.9

نوع مقاله: پژوهشی

مرضیه ابوذری لطف^۱ * علی ساعی^۲

پذیرش: ۹۸/۰۷/۲۹

دریافت: ۹۸/۰۴/۲۲

چکیده

موضوع این مقاله مطالعه تطبیقی دموکراتیزاسیون در ایران و ترکیه، مطالعه موردی جنبش مشروطه‌خواهی در ۱۹۰۶ و ۱۹۰۸ است. مدعای این پژوهش آن است که اگر چه ایران و ترکیه عثمانی، دارای رژیم اقتدارگرایی سلطنتی و سلطانی بودند، با این حال به ترتیب در ۱۹۰۶ و ۱۹۰۸ دموکراتیزاسیون را تجربه کردند. از طریق شواهد تجربی استدلال شده است که مرحله اول دموکراتیزاسیون، شکست رژیم اقتدارگرا، در هر دو کشور تحقق یافته است. مدل نظری پژوهش بر رویکرد ترکیب‌گرایانه استوار است که در آن منابع ساختاری و عاملیتی حضور هم‌زمان دارند. شواهد تاریخی سازگار با این مدعای نظری ما است که دموکراتیزاسیون نتیجه ترکیب عطفی چندگانه سه شرط علی، توسعه آموزشی و عاملیت کنشگران سیاسی و عاملیت کنشگران اجتماعی است. با فرض توسعه آموزشی، اگر الگوی رابطه میان کنشگران سیاسی و اجتماعی مبتنی بر خلق جنبش مشروطه‌خواهی، ائتلاف یا مذاکره یا سازش یا تشکیل انجمن‌های مدنی باشد، موج دموکراتیزاسیون رخ می‌دهد. پژوهش حاضر با استفاده از روش تطبیقی تاریخی انجام شده است.

واژگان کلیدی: دموکراتیزاسیون، شکست رژیم اقتدارگرا، مدرنیزاسیون، توسعه آموزشی، کنشگران سیاسی، کنشگران اجتماعی.

۱. دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
m_abouzariloft@yahoo.com
۲. دانشیار جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)
saeia@modares.ac.ir

تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ایران و ترکیه: مطالعه موردی...؛ مرضیه ابوذری لطف و علی ساعی

۱- مساله پژوهش

موضوع این مقاله ناظر بر مطالعه تطبیقی دموکراتیزاسیون در ایران و ترکیه، مطالعه موردی جنبش مشروطه خواهی در ۱۹۰۶ و ۱۹۰۸ است. دموکراتیزاسیون به مثابه یک فرایند متضمن سه مرحله است: ۱. شکست رژیم اقتدارگرا؛ ۲. گذار دموکراتیک؛ ۳. تثبیت دموکراتیک (ر.ک. به: ساعی، ۱۳۹۷؛ saei, 2020؛ Gill, Huntington, 1995, 2000). در این مقاله مرحله اول این فرایند مطالعه شده است. شکست رژیم اقتدارگرا به فروپاشی ساختارهای رژیم اقتدارگرا اشاره دارد. در این پژوهش این رویکرد نظری به مثابه یک معیار علمی برای تحلیل دموکراتیزاسیون در ایران و ترکیه مورد استفاده قرار گرفته است. (ر، ک، به: Zurcher, 2004, Shaw and Shaw, 2002؛ کاتوزیان، ۱۳۷۹؛ فوران ۱۳۷۷؛ آبراهامیان، ۱۳۸۵).

مدعای این مقاله آن است که اگر چه ایران و ترکیه عثمانی، دارای رژیم اقتدارگرای سلطنتی و سلطانی بودند، با این حال به ترتیب در ۱۹۰۶ و ۱۹۰۸ مرحله اول دموکراتیزاسیون، شکست رژیم اقتدارگرا، را تجربه کردند. برای اثبات این مدعا شواهد زیر ارائه می شود. ایران در سال ۱۹۰۶ میلادی مطابق با مرداد ۱۲۸۵ شمسی مرحله اول دموکراتیزاسیون را با نام انقلاب مشروطه تجربه کرد. مظفرالدین شاه تحت فشار اصلاح طلبان، در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ فرمان مشروطیت را صادر و گشایش مجلس ملی موسسان را امضا کرد (آبراهامیان، ۱۳۸۵: ۷۸-۷۴). در ترکیه عثمانی مشروطه دوم^۳ توسط ترکان جوان در سال ۱۹۰۸ رخ داد (ر، ک، به: شاول، شاول، ۱۳۷۰). در ۲۳ جولای ۱۹۰۸ تحت فشار اصلاح طلبان کمیته اتحاد و ترقی، نیروی های اجتماعی جدید و گروه های مخالف سیاسی و نظامی، سلطان عبدالحمید دوم پارلمان را که در قانون اساسی ۱۸۷۶ پیش بینی شده بود، احیا کرد (ر، ک، به: Zurcher, 2004:90؛ شاول، شاول، ۱۳۷۰: ۴۶۲؛ امامی خویی، ۱۳۹۵: ۱۵۰؛ یاغی، ۱۳۸۳: ۱۷۵؛ رایبسون، ۱۳۵۷: ۱۵-۱۴؛ انتخابی، ۱۳۹۵: ۱۶۱؛ Ozbudunand Genckaya, 2009:8؛ Kayali, 1995). در این

3. Regime breakdown, democratic transition and democratic consolidation

۲. برنامه پژوهشی علی ساعی (۲۰۲۱)، با عنوان مطالعه تطبیقی دموکراتیزاسیون در ایران و ترکیه از سال ۱۸۳۹ تا ۲۰۲۰ دانشگاه تربیت مدرس
۳. مشروطه اول عثمانی در سال ۱۸۷۶ رخ داد.

متن احیای پارلمان مشروطه دلالت مصداقی تحقق مرحله اول دموکراتیزاسیون، شکست رژیم اقتدارگرا، است.

بر مبنای استدلال ارایه شده اکنون می‌توان این سوال را مطرح کرد که: «شکست رژیم اقتدارگرا در دو کشور ترکیه و ایران در ۱۹۰۸ و ۱۹۰۶ چگونه قابل تبیین است؟». این سوال نیازمند دو پاسخ است. پاسخ تئوریک از تئوری و پاسخ تجربی که از واقعیت استنتاج می‌شود.

هدف این مقاله مطالعه دموکراتیزاسیون در ایران و ترکیه است. تلاش می‌شود از طریق مطالعه تطبیقی شکست رژیم اقتدارگرا در ایران و ترکیه تبیین شود. دو هدف از این تبیین جستجو می‌شود. هدف ناظر بر دلالت نظری و هدف ناظر بر دلالت عملی. در هدف اول سهم پژوهشگر^۱ در تولید دانش علمی برجسته و در هدف دوم راه‌حل عملی مساله دموکراتیزاسیون ارایه می‌شود. در باب هدف عملی باید گفت در این پژوهش تلاش می‌شود با الهام از داده‌های تجربی تطبیقی ناظر بر دموکراتیزاسیون در ترکیه و ایران، راه‌حل عملی برای موفقیت دموکراتیزاسیون با تأکید بر ایران ارایه شود.

۲. ادبیات پژوهش

در باب دموکراتیزاسیون تعداد زیادی تئوری وجود دارد که ما می‌توانیم بخشی از آنها را زیر مجموعه دو رویکرد ساختارمحور و عاملیت محور تعریف کنیم. یکی از تئوری‌های رویکرد ساختار محور، تئوری مدرنیزاسیون است که بر شرایط ساختاری مانند توسعه اقتصادی اجتماعی تأکید می‌کند. صاحب‌نظرانی مانند گرام گیل (۲۰۰۰)^۲، هانتینگتون (۱۹۹۳)^۳، لیپست (۱۹۹۴)^۴، دایاموند (۲۰۰۴)^۵، اینگلهارت (۲۰۰۵)^۶ و ونهانن (۲۰۰۳)^۷ در این حوزه از دانش علمی تئوری پرداز کرده‌اند. رویکرد عاملیت محور بر فرایندهای سیاسی و انتخاب‌های استراتژیک کنشگران سیاسی، نخبگان، تأکید می‌کند.

1. Contribution
2. Graeme Gill
3. Samuel, Huntington
4. Seymour Martin, Lipset
5. Larry, Diamond
6. Ronald, Inglehart
7. Tatu, Vanhanen

تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ایران و ترکیه: مطالعه موردی...؛ مرضیه ابوذری لطف و علی ساعی

رستو (1970)، کارل و اشمیتر (1991)؛ کارل (1990)؛ هیگلی و برتون (1987)؛ هانتینگتون (1993) این رویکرد را توسعه داده‌اند.

تئوری مدرنیزاسیون را می‌توان این گونه فرموله کرد: مدرنیزاسیون از طریق ایجاد فرهنگ دموکراتیک و رشد طبقه متوسط و ظهور نیروهای اجتماعی جدید به دموکراتیزاسیون منجر می‌شود (ر، ک، به: دایاموند، 2003، 2004، 1999 و گیل، 2000 به نقل از ساعی، 1397). در این تئوری توسعه اقتصادی - اجتماعی شرط لازم برای دموکراتیزاسیون است. توسعه اقتصادی - اجتماعی نه تنها ساختارهای اجتماعی بلکه ارزش‌های اجتماعی را تغییر می‌دهد. تغییر ارزش‌ها به نوبه خود به تسهیل دموکراتیزاسیون منجر می‌شود. مدعای نظری ما آن است که توسعه اقتصادی - اجتماعی به تغییر ساختارهای اجتماعی منجر می‌شود و این ساختارها می‌توانند وقوع دموکراتیزاسیون را تسهیل کنند. توسعه اقتصادی - اجتماعی تنها تغییر در ساختار اجتماعی را ایجاد می‌کند که به طور بالقوه روند دموکراتیزاسیون را تسهیل کند، اما تغییر ساختار اجتماعی چگونه به تغییر ساختار سیاسی منجر می‌شود، رویکرد ساختار محور، مدرنیزاسیون، قادر به پاسخ به این سوال نیست. این رویکرد، چرایی دموکراتیزاسیون را تبیین می‌کند. در اینجا نیاز به رویکرد دیگری هست که در سطح استدلال عقلانی از کفایت لازم برای تحلیل فرایند دموکراتیزاسیون برخوردار باشد. رویکرد عاملیت محور قادر به پاسخ به این نوع پرسش است. رویکرد عاملیت محور فرآیندها و چگونگی وقوع آنها را توضیح می‌دهد. عاملیت کنشگران سیاسی عنصر اصلی در رویکرد عاملیت محور است. موفقیت دموکراتیزاسیون، بر اساس این رویکرد، به استراتژی‌های کنشگران سیاسی بستگی دارد. در این رویکرد، سرنوشت دموکراتیزاسیون تابع استراتژی‌های کنشگران سیاسی نه تغییر ساختار است. در این رویکرد عاملیت کنشگران در مقایسه با علت‌های ساختاری از اهمیت بیشتری برخوردار است. مطابق با این رویکرد، دموکراتیزاسیون تابع استراتژی کنشگران است.^۱ در اینجا به تئوری هانتینگتون به عنوان نماینده مهم رویکرد عاملیت محور می‌پردازیم.

تئوری هانتینگتون ناظر بر فرایندها و انتخاب‌های کنشگران در فرایندهای گذار

۱. در باب استراتژی کنشگران مراجعه شود به: کارل و اشمیتر، 1991؛ کارل 1990؛ هیگلی و برتون، 1987؛ هانتینگتون، 1971.

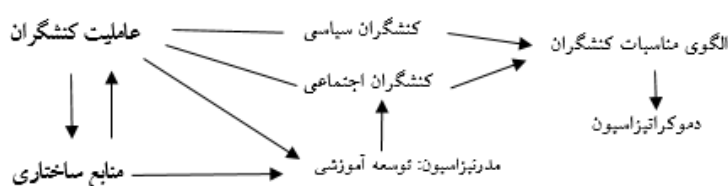
دموکراتیک است. در تئوری هانتینگتون کنشگران به چهار گروه تقسیم می‌شوند: قشری-ها^۱، اصلاح‌طلبان^۲، میانه‌روهای لیبرال^۳ و رادیکال‌ها^۴ (Huntington, 1993). در این تئوری قدرت نسبی گروه‌ها و نحوه تعامل آنها نوع گذار دموکراتیک را شکل می‌دهد. او فرایندهای گذار دموکراتیک را شامل تغییر شکل، فروپاشی و جابجایی می‌داند (Huntington, 1993). در گذار تغییر شکل^۵ شرط لازم ظهور اصلاح‌طلبان است. اصلاح‌طلبان شامل دو گروه اصلاح‌طلبان دموکراسی‌خواه و لیبرال هستند. گذار تغییر شکل زمانی رخ می‌دهد که اصلاح‌طلبان درون حاکمیت از قشری‌ها قویتر باشند، حکومت نسبت به مخالفان دست بالا را داشته باشد و میانه‌روها قویتر از افراط‌گرایان باشند. در نوع فروپاشی مخالفان رادیکال قویتر از دولت هستند. فروپاشی هنگامی رخ می‌دهد که گروه‌های مخالف عهده‌دار دموکراتیزاسیون باشند (Huntington, 1993). فرایند جابجایی ناشی از کنش‌های مشترک حکومت و مخالفان است. در درون حکومت موازنه قدرت اصلاح‌طلبان و قشری‌ها طوری است که حکومت تمایل پیدا می‌کند با آنها مذاکره کند. در گروه مخالفان رهبران دموکراتیک قویتر از تندروهای غیردموکراتیک هستند اما قدرت آنها در حدی نیست که بتوانند حکومت را براندازند. در فرایند جابجایی گروه‌های غالب در حکومت و مخالفان به تنهایی قادر به تصمیم‌گیری در نظام سیاسی آینده نیستند. در نتیجه رهبران حکومت و مخالفان پس از سنجش قدرت یکدیگر تصمیم به مذاکره سیاسی می‌گیرند. بنابراین براساس تئوری هانتینگتون، گذارهای دموکراتیک با نوع ترکیب کنش‌های چهار گروه سیاسی رابطه دارد که به آن استراتژی کنشگران سیاسی اطلاق می‌کنیم. بر مبنای تئوری هانتینگتون استراتژی رهبران سیاسی درون حاکمیت و مخالفان رژیم اقتدارگرا در گذارهای دموکراتیک به صورت زیر است. ۱. مذاکره ۲. مصالحه دموکراتیک ۳. اعطای امتیاز ۴. انتخابات ۵. تنظیم پیمان‌های دموکراتیک ۶. خشونت (Huntington, 1993).

در این مقاله از طریق بازسازی عقلانی - مفهومی تئوری‌های موجود و با الهام از

1. Standpatters
2. Reformers
3. Democratic Moderates
4. Radical Extremists
5. Transformations

تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ایران و ترکیه: مطالعه موردی...؛ مرضیه ابوذری لطف و علی ساعی

برنامه پژوهشی علی ساعی (۲۰۲۰)، با عنوان مطالعه تطبیقی دموکراتیزاسیون در ایران و ترکیه از سال ۱۸۳۹ تا ۲۰۲۰، مدل نظری پژوهش ساعی و ابوذری لطف (۱۳۹۹) و پژوهش ابوذری لطف (۱۳۹۸)، یک رویکرد ترکیب گرایانه^۱، متناسب با مساله پژوهش ساخته شده است. این دستگاه نظری بنیان تئوریک این پژوهش است که راه حل تئوریک مسأله از آن استنتاج می شود. بنابراین ساختار منطقی این مدل به شرح زیر است:



مدل نظری پژوهش

در دستگاه نظری ترکیب گرایانه این پژوهش منابع ساختاری و عاملیتی حضور همزمان دارند. در این دستگاه نظری رابطه میان ساختار و عاملیت از نوع دیالکتیک است. در این متن مصداق منابع ساختاری مدرنیزاسیون است. مدرنیزاسیون دارای دو بعد توسعه اقتصادی و توسعه آموزشی است. در متن حاضر بر بعد توسعه آموزشی تأکید شده است. در اینجا این سوال مطرح است که چگونه این منابع ساختاری به دموکراتیزاسیون منجر می شود. پاسخ این سوال نیاز به فهم رابطه دیالکتیک میان منابع ساختاری و عاملیت کنشگران سیاسی است. عاملیت کنشگران سیاسی از طریق فرایند مدرنیزاسیون، توسعه آموزشی را ایجاد می کند. توسعه آموزشی به ظهور کنشگران اجتماعی جدید منجر می شود. این کنشگران از طریق طرح ارزش های سیاسی و انتظارات اجتماعی جدید بر کنشگران سیاسی حاکم فشار وارد می کنند. در مقابل، اگر نهادهای سیاسی مسلط توانایی حل مسایل جدید را نداشته باشند، این شرایط به بحران سیاسی منجر می شود. در شرایط بحران، نظام سیاسی حاکم در اثر ناکارآمدی در حل مسایل موجود، مشروعیت سیاسی خود را از می دهد. در اینجا الگوی مناسبات میان کنشگران سیاسی و کنشگران اجتماعی سرنوشت دموکراتیزاسیون را تعیین می کند. ساختار منطقی این مدل دلالت بر آن دارد که دموکراتیزاسیون نتیجه ترکیب

1. Configurational Approach

عطفی چندگانه سه شرط علی، توسعه آموزشی و عاملیت کنشگران سیاسی و عاملیت کنشگران اجتماعی است.^۱ با فرض حضور توسعه آموزشی، اگر انتخاب‌های استراتژیک کنشگران سیاسی و اجتماعی مبتنی بر خلق جنبش مشروطه خواهی یا ائتلاف یا مذاکره یا سازش یا تشکیل انجمن‌های مدنی باشد، موج دموکراتیزاسیون رخ می‌دهد.

۳. روش پژوهش

در این قسمت ابتدا مفاهیم مدل نظری تعریف عملیاتی شده‌است. سپس روش تحقیق و واحد تحلیل و اعتبار تحقیق آرایه و مورد بحث قرار گرفته‌است.

دموکراتیزاسیون: در این مقاله مرحله شکست رژیم اقتدارگرا مطالعه شده‌است. دلالت‌های مصداقی شکست رژیم اقتدارگرا از طریق فرمان احیای پارلمان و قانون اساسی ۱۸۷۶ در ترکیه عثمانی و صدور فرمان مشروطه در ایران ارزیابی شده‌است. در فرمان مشروطه تشکیل مجلس شورای ملی، مجلس موسسان، تدوین قانون انتخابات، برگزاری انتخابات و تدوین قانون اساسی آمده‌است.

توسعه آموزشی: در این پژوهش بر اساس ویژگی‌های زمینه اجتماعی تاریخی، توسعه آموزشی از طریق تعداد مدارس، مدارس عالی، دانش آموزان، معلمان و استادان، تاسیس دارالفنون و اعزام دانشجویان به خارج ارزیابی شده‌است.

عاملیت کنشگران: در این پژوهش برای کنشگران دو بعد تعریف شده‌است: ۱. کنشگران سیاسی؛ ۲. کنشگران اجتماعی. کنشگران سیاسی شامل اصلاح طلبان و اقتدارگرایان درون رژیم حاکم است. در این مقاله عاملیت آنان از طریق انتخاب‌های استراتژیک در توسعه آموزشی و خشونت یا مذاکره یا سازش با کنشگران اجتماعی مخالف ارزیابی شده‌است. عاملیت آنان در مقیاس کم و زیاد مطالعه شده‌است. کنشگران اجتماعی دو گروه، سنتی و جدید، هستند. در اینجا تاکید بر گروه‌های اجتماعی جدید است. دلالت‌های مصداقی آنان روشنفکران، روزنامه نگاران، فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها و تحصیل کردگان مراکز آموزشی جدید داخلی مانند دارالفنون و خارجی است. دلالت مصداقی گروه‌های اجتماعی سنتی بازاریان، سران ایلات و

۱. در این گزاره منظور از «یا»، «یا منطقی (Logical or)»، «و»، «و منطقی (Logical and)» است.

تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ایران و ترکیه: مطالعه موردی...؛ مرضیه ابوذری لطف و علی ساعی

عشایر و روحانیون است. عاملیت گروه‌های اجتماعی جدید از طریق نقد رژیم اقتدارگرا، تأسیس و انتشار روزنامه یا انتشار کتاب یا تشکیل انجمن یا تشکیل اجتماعات یا ائتلاف با کنشگران اجتماعی سنتی و مذاکره یا سازش با کنشگران سیاسی حاکم است.

روش تحقیق: موضوع این مقاله مطالعه دموکراتیزاسیون در دو کشور ایران و ترکیه است. بر مبنای الزامات هستی‌شناسی این موضوع، روش تحلیل تطبیقی تاریخی انتخاب شده است. در باب اثبات این الزامات، باید گفت دموکراتیزاسیون امر تاریخی است. به این معنا که دموکراتیزاسیون، دارای ویژگی فرایندی، زمانمند، مکان‌مند و زمینه‌مند است. علاوه بر آن این واقعه به مثابه یک امر عام^۱ قابل فهم است. این ویژگی‌ها بعد منحصر به فرد بودن واقعه و عمومیت واقعیت را بازنمایی می‌کند.^۲ ویژگی زمانمندی و زمینه‌مندی، ماهیت تاریخی موضوع را آشکار می‌سازد (ساعی، ۱۳۹۲). با توجه به اینکه دموکراتیزاسیون در دو کشور ایران و ترکیه مقایسه می‌شود، از روش تطبیقی تاریخی استفاده شده است.

در این متن بر اساس منطق پژوهش تطبیقی تاریخی داده‌های تجربی تاریخی، در دو سطح تحلیل شده است: درون‌کشوری و بین‌کشوری. در تحلیل درون‌کشوری تفسیر تاریخی و در تحلیل بین‌کشوری تحلیل تبیینی (علی) انجام داده‌ایم. در تحلیل تفسیر تاریخی از تکنیک تحلیل روایتی^۳ و در تبیین قانونی از تکنیک تحلیل علیت ترکیبی چندگانه^۴ استفاده شده است. از روش تحلیل زمینه‌ای یا موقعیتی برای مطالعه شرایط پیشین دموکراتیزاسیون در ایران و ترکیه استفاده شده است.

در تحلیل روایتی، توالی تاریخی^۵ حوادث و فرآیندها در یک بازه زمانی بررسی می‌شوند و سلسله حوادثی که در مرحله پایانی به تولید معلول منجر گردیده‌اند، روایت می‌شوند. در باب تحلیل علیت ترکیبی چندگانه باید گفت از طریق این روش می‌توان موردها را به مثابه کل ترکیب بندی شده، بر حسب عضویت و عدم عضویت در

1. Universal

۲. واقعیت دو بعد منحصر بفرد بودن (uniquance) و عمومیت (Generality) است.

3. Narrative Analysis

4. Multiple Conjunctural Causation

5. Historical Sequences

مجموعه‌ها مطالعه کرد. در این روش علت‌ها به صورت ترکیب شروط علی وارد تحلیل می‌شوند و مقایسه‌ای موردها امکان پذیر می‌شود. بنابراین اگر سه شرط علی داشته باشیم، ترکیب علی آن برابر با معادله $Outcome = F(ABC)$ است. بدین معنا است که حضور شرط علی A وقتی که با دو شرط علی B و C ترکیب شده باشد (ر، ک، به: Ragin and Rihoux, 2009؛ ساعی: ۱۳۹۲).

استفاده از تحلیل علیت ترکیبی چندگانه نیازمند بازسازی ماتریس داده‌های خام به صورت یک جدول ارزش^۱ است. جدول ارزش برای بازنمایی گزاره‌های منطقی است. این نوع گزاره‌ها از حیث ارزش منطقی صادق یا کاذب هستند. برای تحلیل ترکیب علی شروط علی توسعه آموزشی به مثابه شرط لازم و کنشگران سیاسی و کنشگران اجتماعی، در دو کشور ایران و ترکیه، جدول ارزش به صورت زیر ارائه شده است:

جدول ۱. جدول ارزش

موردها	توسعه آموزشی A	کنشگران اجتماعی B	کنشگران سیاسی C	نتیجه
ترکیه	+	-/+	-/+	دموکراتیزاسیون
ایران	+	-/+	-/+	دموکراتیزاسیون

بر مبنای داده‌های تجربی این جدول ارزش، مسیرهای علی معطوف به نتیجه در دو کشور بر مبنای ترکیب منطقی سه شرط علی ارائه شده است. در اینجا باید گفت در جدول ارزش این پژوهش با توجه به مصادیق تجربی شروط علی و معلول، از ارزش‌های ۱ و ۲ استفاده شده است.

واحد تحلیل: در این پژوهش، کشور و دوره‌های زمانی و دوره تاریخی واحد تحلیل ما را تشکیل می‌دهند که در جدول زیر واحدهای تحلیل ارائه شده است.

جدول ۲. واحد تحلیل

کشور	دوره زمانی	دوره تاریخی	معلول	توضیح
ترکیه	۱۹۰۸- ۱۸۳۹	دوره زمینه	دموکراتیزاسیون	این دوره به عنوان شرایط پیشین انقلاب ترکان جوان در سال ۱۹۰۸ تعریف شده است. این دوره

1. truth table

تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ایران و ترکیه: مطالعه موردی...؛ مرضیه ابوذری لطف و علی ساعی

عثمانی		اجتماعی		زمانی با صدور فرمان احیای پارلمان توسط سلطان عبدالحمید دوم در سال ۱۹۰۸ پایان یافت.
ایران	۱۹۰۶- ۱۸۳۹	دوره زمینه اجتماعی	دموکراتیزاسیون	این دوره به عنوان شرایط پیشین انقلاب مشروطه در سال ۱۹۰۶ تعریف شده است. این دوره زمانی از سال ۱۲۸۵ ش مطابق با سال ۱۹۰۶م با صدور فرمان مشروطیت توسط مظفالدین شاه پایان یافت.

واحد مشاهده: در این پژوهش که موضوع آن ماهیت تاریخی دارد واحدهای مشاهده متن‌هایی با موضوع تاریخی است. این متن‌ها از طریق مراجع رسمی تولید شده‌اند یا از طریق پژوهشگران اجتماعی و یا تاریخی نوشته شده‌اند. داده‌های پژوهش حاضر از متن‌های زیر بدست آمده است: محمد علی همایون کاتوزیان (۱۳۸۱)، محمد علی همایون کاتوزیان (۱۳۷۹)، پرواند آبراهامیان (۱۳۷۷)، جان فوران (۱۳۷۷)، علی ساعی (۱۳۹۷)، فریدون آدمیت (۱۳۵۱)، فریدون آدمیت (۱۳۹۴)، اتابکی، تورج، زورخر، اریک یان (۱۳۸۵)، استانفورد جی شاو و ازل کورال شاو (۱۳۷۰)، محمدتقی امامی خوبی (۱۳۹۵)، ارگون ازیدون و عمر جنکایا (۲۰۰۹)، اریک جان زورخر (۲۰۰۴).

اعتبار: در این پژوهش معرف‌ها با الهام از واحدهای تجربی مانند پژوهش هانتینگتون (۱۹۹۳)، علی ساعی (۱۳۹۷)، استانفورد جی شاو و ازل کورال شاو (۱۳۷۰)، اتابکی، تورج، زورخر، اریک یان (۱۳۸۵)، اریک جان زورخر (۲۰۰۴)، محمدعلی همایون کاتوزیان (۱۳۸۱)، محمدعلی همایون کاتوزیان (۱۳۷۹)، پرواند آبراهامیان (۱۳۷۷)، جان فوران (۱۳۷۷)، فریدون آدمیت (۱۳۵۱) و فریدون آدمیت (۱۳۹۴) تعریف شده است.

پایایی: در این پژوهش تلاش شده است شواهد تجربی از منابع موثق در مراکز علمی و دانشگاهی معتبر که در بالا و در فهرست منابع آمده است گردآوری شود. علاوه بر آن این پژوهش در پرتو الزامات پژوهش تطبیقی مبتنی بر مشابه‌ترین سیستم‌ها انجام شده است. شاید بتوان گفت در صورتی که دیگران نیز با فرض کنترل عوامل

مشترک سیستمی^۱ و در پرتو دستگاه نظری و روش تحلیل این پژوهش، به این منابع رجوع نمایند و به گردآوری داده‌های تجربی پردازند. نتایج علمی مشابهی را تولید کنند.

۴. تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ترکیه و ایران

بر مبنای الزامات روش تاریخی تطبیقی، تحلیل دموکراتیزاسیون در دو سطح انجام شده است. سطح درون کشوری و سطح بین کشوری. در سطح درون کشوری واقع دموکراتیزاسیون بر حسب دو کشور ترکیه و ایران با استفاده از تکنیک تحلیل روایتی تفسیر تاریخی شده‌اند. در سطح بین کشوری در پرتو دستگاه نظری، واقع دموکراتیزاسیون تحلیل علی مبتنی بر علیت ترکیبی چندگانه شده است. با این حال زمینه‌های اجتماعی دموکراتیزاسیون در ترکیه و ایران تحلیل زمینه‌ای شده است. در اینجا در تحلیل زمینه‌ای هدف علت کاوی نیست، بلکه فهم تفسیری شرایط ساختاری موجود در زمینه اجتماعی موج دموکراتیزاسیون در ترکیه عثمانی و ایران است.

تجربه دموکراتیزاسیون در ترکیه

نقطه بحرانی^۲ موج دموکراتیزاسیون ترکیه عثمانی اعلام برنامه تنظیمات است که در روز یکشنبه ۳ نوامبر ۱۸۳۹ طی فرمانی با عنوان فرمان عالی گلخانه با امضای سلطان عبدالمجید به طور رسمی اعلام گردید (ر، ک)، به: Zurcher, 2004:51؛ شاو، شاو، ۱۳۷۰: ۱۱۵-۱۱۶؛ لوئیس، ۱۳۷۲: ۱۴۳؛ امامی خویی، ۱۳۹۵: ۱۳۲). کنشگران مرکزی این برنامه مصطفی رشیدپاشا و سلطان عبدالمجید هستند. رشیدپاشا کنشگر اصلاح طلب در درون حکومت بود. او برنامه اصلاحات عثمانی را با عنوان برنامه تنظیمات، تدوین کرد. علاوه بر رشیدپاشا، افرادی مانند محمدامین عالی پاشا، محمدفواد پاشا، احمد جودت پاشا و احمد شفیق مدحت پاشا نیز از اعضای جنبش اصلاحات بودند (ر، ک)، به: شاو، شاو، ۱۳۷۰: ۱۲۲-۱۱۷؛ Zurcher, 2004:66؛ اینالچیق و سیددانلی اوغلو، ۱۳۹۱: ۴۰۶-۳۶۵). برنامه تنظیمات در روز یکشنبه ۳ نوامبر ۱۸۳۹ طی فرمانی با عنوان فرمان عالی گلخانه با امضای سلطان عبدالمجید به طور رسمی اعلام گردید (ر، ک)، به: Zurcher, 2004:51؛ شاو، شاو، ۱۳۷۰: ۱۱۶-۱۱۵؛ لوئیس، ۱۳۷۲: ۱۴۳؛ امامی خویی،

1. Common System Factors
2. Critical juncture

تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ایران و ترکیه: مطالعه موردی...؛ مرضیه ابوذری لطف و علی ساعی

۱۳۹۵: ۱۳۲). براساس فرمان گلخانه سلطان متعهد شده بود با پذیرش هرگونه قانونی که دستگاه قانونگذاری وضع می کرد، قدرت خود را محدود کند. این نخستین گام به سوی محدود کردن اختیارات سلطان بود (ر، ک، به: شاول، شاول، ۱۳۷۰: ۱۱۷؛ اینالجیق و سیددانی اوغلو، ۱۳۹۱: ۳۴۱-۳۴۰). از طریق اجرای فرمان گلخانه به تدریج قدرت سیاسی از قصر به باب عالی انتقال یافت (Zurcher, 2004:50).

مهمترین واقعه تاریخی که در زمینه اجتماعی موج اول دموکراتیزاسیون در ترکیه رخ داده است، اجرای برنامه اصلاحات با عنوان تنظیمات است. برنامه تنظیمات جامعه عثمانی را تغییر داد و از طریق سلسله حوادث تاریخی به وقوع موج دموکراتیزاسیون در ترکیه منجر شد.

دموکراتیزاسیون → مدرنیزاسیون → برنامه تنظیمات

فرایند اصلاحات تنظیمات، به حکومتی متمرکز مبتنی بر طبقه حاکمه جدید، بوروکرات‌ها، منجر شد. این طبقه را نسل جدیدی از عثمانی‌ها به وجود آوردند که حرکت نوسازی را طی قرن نوزده در امپراطوری عثمانی ادامه دادند (شاول، شاول، ۱۳۷۰: ۱۸۹-۱۸۸). نوسازی از طریق مکانیزم توسعه آموزشی به ظهور طبقه متوسط جدید روشنفکران عثمانی و رشد سکولاریزاسیون منجر شد. این طبقه روشنفکر جدید به جای علما، مقام رهبری فرهنگی جامعه مسلمانان را در دست گرفت. این روشنفکران که تحت عنوان ترک‌های جوان نامیده می‌شدند، جوانانی بودند که در مدارس جدید غیردینی تحصیل کرده بودند یا برای تکمیل تحصیلات خود به خارج اعزام شده بودند. آنان نظامی را نقد می‌کردند که خود از درون آن سر بر آورده بودند و با استفاده از دستگاه چاپ و گسترش مفاهیم جدید مانند پارلماناریسم، ناسیونالیسم و میهن پرستی در آگاهی سیاسی عثمانی، جلب افکار عمومی را در دستور کار فعالیت‌های خود قرار دادند (ر، ک، به: شاول، شاول، ۱۳۷۰: ۲۳۳-۲۳۲؛ Zurcher, 2004:67-70 and 89). این روشنفکران آزادیخواه حداقل در سه موضوع اصلی اتفاق نظر داشتند: قانون اساسی، مجلس قانونگذاری و عثمانیسم یا اصالت دادن به سرزمین و حکومت عثمانی (شاول، شاول، ۱۳۷۰: ۲۳۳-۲۳۲؛ Zurcher, 2004:67).

عاملیت این روشنفکران از طریق ترکیب با عاملیت کنشگران اصلاح طلب به استقرار نظام مشروطه و مجلس در سال ۱۸۷۶ منجر شد (ر، ک، به: شاول، شاول، ۱۳۷۰: ۲۳۳؛ Ozbudunand Genckaya, 2009:7). که در این پژوهش نظام مشروطه ۱۸۷۶، را به موج اول دموکراتیزاسیون تعبیر می‌کنیم.

موج اول دموکراتیزاسیون با عنوان مشروطه اول عثمانی زمانی رخ داد که عبدالحمید دوم در ۷ اکتبر ۱۸۷۶ دستور تاسیس کمیسیون قانون اساسی را صادر کرد. این کمیسیون با ریاست مدحت پاشا تشکیل شد. کمیسیون تدوین پیش نویس قانون اساسی مشروطه اول عثمانی ۲۸ عضو داشت که ۱۶ تن از دیوانیان، ۱۰ تن از علما و ۲ تن از نظامیان بودند. این کمیسیون در ماه اکتبر همان سال تشکیل مجلس را تصویب کرد. این مجلس در تاریخ ۱۰ اکتبر به تصویب رسمی اعیان و بزرگان امپراطوری رسید و در تاریخ ۲۸ اکتبر به طور رسمی اعلام شد. این مجلس از ۱۲۰۰ نماینده انتخابی از میان مسیحیان و مسلمانان تشکیل می‌شد. دوره قانونی آن سه سال بود و هر سال یک سوم از کل نمایندگان جای خود را به نمایندگان جدید می‌دادند (ر، ک، به: شاول، شاول، ۱۳۷۰: ۳۰۱؛ یاغی، ۱۳۸۳: ۱۵۲؛ انتخابی، ۱۳۹۵: ۱۱۹-۱۱۸؛ Ozbudunand Genckaya, 2009:8).

قانون اساسی در ۲۳ دسامبر ۱۸۷۶ مشتمل بر ۱۱۹ ماده و ۱۲ بخش اعلام شد (شاول، شاول، ۱۳۷۰: ۳۰۱). در قانون اساسی اصل تفکیک قوا پیش بینی شده بود. در قانون اساسی قوای حکومتی به سلطنت، قوه مجریه و پارلمان تقسیم شده بود. بر مبنای این قانون برای اولین بار در تاریخ اجتماعی امپراطوری عثمانی، قدرت مطلقه^۱ به سلطنت مشروطه^۲ تغییر یافت (شاول، شاول، ۱۳۷۰: ۳۰۲). در مارس ۱۸۷۷، مجلس افتتاح شد (شاول، شاول، ۱۳۷۰: ۳۱۳؛ لوئیس، ۱۳۷۲: ۲۲۷؛ یاغی، ۱۳۸۳: ۱۵۲؛ انتخابی، ۱۳۹۵: ۱۳۰). با این حال این فرایند بعد از مدت کوتاهی متوقف شد. در ۱۴ فوریه ۱۸۷۸ پارلمان توسط سلطان منحل شد و با انحلال مجلس طی مدت سی سال به حکومت مطلقه (Autocracy) برگشت (ر، ک، به: شاول، شاول، ۱۳۷۰: ۳۰۵-۳۰۴؛ امامی خوبی، ۱۳۹۵: ۱۴۰؛ Zurcher, 2004:67؛ Ozbudun and Genckaya, 2009:8). بدین ترتیب اولین موج دموکراتیزاسیون در عثمانی شکست خورد و این کشور اولین موج بازگشت

1. Absolute Power
2. Constitutional Monarchy

تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ایران و ترکیه: مطالعه موردی...؛ مرضیه ابوذری لطف و علی ساعی

به اقتدارگرایی را تجربه کرد. با این حال عبدالحمید دوم طی سه دهه مدرنیزاسیون را در دستور کار خود قرار داد.

در این متن دلالت مصداقی مدرنیزاسیون به توسعه آموزشی محدود شده است. در حوزه آموزش و پرورش از سال ۱۸۸۶ تأسیس مدارس دولتی جدید و آموزش غیرمذهبی دولتی افزایش یافت (ر، ک، به: شاو، شاو، ۱۳۷۰: ۴۲۵؛ امامی خویی، ۱۳۹۵: ۱۴۱؛ یاغی، ۱۳۸۳: ۱۵۸؛ انتخابی، ۱۳۹۵: ۱۴۹). از مدرسه خدمات کشوری طی سال‌های ۱۸۷۸ تا ۱۸۹۷، ۶۲۰ نفر، از مدرسه عالی حقوق ۵۲۰ نفر، از مدرسه عالی پزشکی طی سال‌های ۱۸۷۴ تا ۱۸۹۷، ۸۸۲ نفر و از مدرسه فنون صنعتی ۳۵۲ نفر فارغ التحصیل شدند. تا پایان ۱۸۹۷، شبکه مدارس نظامی شامل ۲۹ مدرسه رشدیه بود. ملت‌های گوناگون غیرمسلمان در سال ۱۸۹۷، ۵۹۸۲ مدرسه ابتدایی با ۸۰۲۵ نفر مربی و ۳۱۷۰۸۹ نفر دانش آموز در اختیار داشتند. ۲۴۶ عدد از این مدرسه‌ها توسط مبلغان خارجی اداره می‌شدند. در راس نظام جدید آموزشی غیردینی دانشگاه عثمانی، یعنی دارالفنون، قرار داشت که کاملاً تجدید سازمان و بازگشایی شد (ر، ک، به: شاو، شاو، ۱۳۷۰: ۴۲۷-۴۲۶).

طی دوره سلطنت عبدالحمید در نتیجه توسعه آموزشی قشرهای اجتماعی جدید با افکار سیاسی لیبرالی ظهور کرد. این گروه از عثمانی‌ها در داخل و در سراسر اروپا به نام ترک‌های جوان خوانده می‌شد. یکی از این گروه‌ها کمیته اتحاد و پیشرفت نامیده می‌شد که در سال ۱۹۰۸ توانست سلطان را مجبور به احیای مجلس و در پی آن مجبور به استعفا کند (ر، ک، به: شاو، شاو، ۱۳۷۰: ۴۳۵؛ یاغی، ۱۳۸۳: ۱۷۳؛ امامی خویی، ۱۳۹۵: ۱۴۴-۱۴۹).

سازمان واقعی مخالفان حکومت اولین بار در سال ۱۸۸۷، با تشکیل گروهی به نام اتحاد و ترقی ایجاد شد (ر، ک، به: Zurcher, 2004: 67؛ شاو، شاو، ۱۳۷۰: ۳۳۶؛ امامی خویی، ۱۳۹۵: ۱۴۴؛ یاغی، ۱۳۸۳: ۱۷۱؛ رابینسون، ۱۳۵۷: ۱۲). اولین کسی که در ایجاد جنبش ترک‌های جوان نقش مهمی داشت، احمدرضا (۱۹۳۰-۱۸۵۹) بود. احمدرضا خواستار استقرار حکومت قانون بود. او یکی از مهمترین گروه‌های ترک‌های جوان در اروپا را تشکیل داد. احمدرضا از طریق نشریه مشورت که از طریق پست‌های خارجی وارد کشور می‌شد در میان گروه‌های روشنفکری افکار و اعمال

لیبرالی را در امپراطوری ترویج می‌کرد(ر، ک، به: Zurcher, 2004:86؛ شاو، شاو، ۱۳۷۰: ۴۳۶-۴۳۷؛ یاغی، ۱۳۸۳: ۱۷۲؛ انتخابی، ۱۳۹۵: ۱۵۴). دومین کسی که در گسترش جنبش ترک‌های جوان اهمیت داشت، محمدمراد افندی (۱۹۱۲-۱۸۵۳) نام داشت. او در خارج از کشور روزنامه میزان را منتشر و از طریق سازمان‌های پستی بریتانیا و فرانسه به داخل کشور ارسال می‌کرد(ر، ک، به: Zurcher, 2004:86؛ شاو، شاو، ۱۳۷۰: ۴۳۷). احمدرضا محافظه‌کارتر بود و سلطان را به دموکراتیزه کردن حکومت ترغیب می‌کرد. مراد بر ضرورت انجام اصلاحات اساسی در همه زمینه‌ها تأکید می‌کرد (ر، ک، به: شاو، شاو، ۱۳۷۰: ۴۳۹-۴۳۸).

جنبش مخالفان در سال‌های نخست قرن بیستم در میان افسران ارتش در دمشق گسترش یافت. گروهی از افسران جوان لشکر پنجم از جمله ستوان جوانی به نام مصطفی کمال که در سال ۱۹۰۵ از آکادمی جنگ فارغ‌التحصیل شده بود، یک گروه زیرزمینی ناشناخته به نام انجمن وطن تشکیل دادند. آنان در بیانیه‌های خود خواستار اجرای کامل قانون اساسی از سوی سلطان و حکومت قانونی شده بودند. این گروه به سرعت تغییر نام داد و نام انجمن وطن و آزادی را بر خود نهاد که شماری از دیوانیان ولایات را نیز دربرگرفت(ر، ک، به: Zurcher, 2004:88 and 89؛ شاو، شاو، ۱۳۷۰: ۴۵۰؛ رابینسون، ۱۳۵۷: ۱۳). در این زمان مصطفی کمال پیشنهاد کرد که گروه وطن و آزادی در میان افسران هم قطار در زادگاهش، سالونیک، هواخواهان و یارانی گرد آورند. زمانی که مصطفی کمال در اوایل ۱۹۰۶ مفهوم وطن و آزادی را در میان مردم تبلیغ می‌کرد، با استقبال آنان و تعدادی از نظامیان روبرو شد. مصطفی کمال این گروه را به صورت شاخه‌ای از جمعیت دمشق، اما تحت عنوان دیگر به نام جمعیت آزادی عثمانی سازماندهی کرد. این گروه به سرعت در میان افسران و کارمندان دولت ولایات مقدونیه نفوذ یافته بود. بنابراین در داخل امپراطوری یک تشکیلات منظم نظامی به وجود آمد که هدف آن برانداختن سلطان بود و در خارج نیز یک نهضت انقلابی به نام کمیته اتحاد و ترقی تأسیس شده بود. این دو گروه تحت عنوان تشکیلاتی کمیته اتحاد و ترقی، در سپتامبر ۱۹۰۷ با اعتقاد به هدفی مشترک یعنی احیای قانون اساسی با یکدیگر متحد شدند. در ۲۷ تا ۲۹ دسامبر ۱۹۰۷ دومین کنگره ترک‌های جوان در پاریس برگزار شد تا همکاری همه جناح‌ها را علیه دشمن مشترک جلب کند. در آخرین بیانیه اعلام

تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ایران و ترکیه: مطالعه موردی...؛ مرضیه ابوذری لطف و علی ساعی

شد که سلطان بایستی از سلطنت خلع شود و به جای حکومت موجود حکومتی قانونی و مبتنی بر انتخابات بر سر کار بیاید و برای رسیدن به این هدف از هر وسیله‌ای از جمله در صورت لزوم خشونت انقلابی استفاده شود(ر، ک، به: Zurcher, 2004:90؛ شاو، شاو، ۱۳۷۰: ۴۵۱-۴۵۲؛ یاغی، ۱۳۸۳: ۱۷۴؛ رابینسون، ۱۳۵۷: ۱۳).

در ۲۷ دسامبر ۱۹۰۷ کنگره ترک‌های جوان در قالب تشکیلاتی تحت عنوان کمیته اتحاد و ترقی در پاریس برگزار شد. در اعلامیه پایانی این کنگره که در تاریخ ۲۹ دسامبر ۱۹۰۷ اعلام شد، بر خلع سلطان عبدالحمید از سلطنت و استقرار حکومت مشروطه تاکید گردید. موج دوم دموکراتیزاسیون در ترکیه توسط عاملیت کنشگران کمیته اتحاد و ترقی ساخته شد(ر، ک، به: شاو، شاو، ۱۳۷۰: ۴۶۲). در ۲۳ جولای ۱۹۰۸ تحت فشار کنشگران این کمیته، نیروی‌های اجتماعی جدید و گروه‌های مخالف سیاسی و نظامی، سلطان عبدالحمید دوم پارلمان را که در قانون اساسی ۱۸۷۶ پیش بینی شده بود، احیا کرد(ر، ک، به: Zurcher, 2004:90؛ شاو، شاو، ۱۳۷۰: ۴۶۲؛ امامی خوبی، ۱۳۹۵: ۱۵۰؛ یاغی، ۱۳۸۳: ۱۷۵؛ رابینسون، ۱۳۵۷: ۱۵-۱۴؛ انتخابی، ۱۳۹۵: ۱۶۱؛ Kayali, 1995؛ Ozbudunand Genckaya, 2009:8).

به عنوان یک نتیجه باید گفت نقطه بحرانی عاملیت کنشگران سیاسی اصلاح طلب، انتخاب استرترژیک مصطفی رشید پاشا در تدوین برنامه اصلاحات تنظیمات بود. این برنامه در استرترژی مدرن سازی دولت و جامعه عثمانی توسط نخبگان سیاسی تحقق یافت. ادامه فرآیند مدرنیزاسیون به ایجاد مراکز آموزشی نوین، ظهور قشرهای اجتماعی جدید(طبقه متوسط) و روشنفکران منجر شد. تحت این شرایط ترکیه عثمانی موج دموکراتیزاسیون را با عنوان مشروطه عثمانی ۱۹۰۸ تجربه کرد.

تجربه دموکراتیزاسیون در ایران

نقطه آغازین فرایند دموکراتیزاسیون در ایران ریشه در انتخاب های استرترژیک کنشگران سیاسی اصلاح طلب قرن نوزدهم دارد. در این جا از طریق تحلیل روایتی، این سلسله حوادث را در درون زمینه اجتماعی قبل از موج دموکراتیزاسیون در ایران روایت می شود:

موج اول دموکراتیزاسیون → مدرنیزاسیون → اصلاحات

ایران در جنگ‌های ایران و روس در دوران فتحعلی شاه قاجار شکست خورد. شکست‌های نظامی ارتش قاجار در دو جنگ ایران با روسیه سبب تحمیل قراردادهای گلستان (۱۱۹۲) و ترکمنچای (۱۲۰۶) و اعطای امتیازهای دیپلماتیک شد. این امتیازها کاپیتولاسیون‌های تجاری به بار آورد که سبب متزلزل شدن صنایع بومی و اختلال‌های اجتماعی شد. قاجاریان در مقابل این حوادث به فکر اصلاح افتادند (ر، ک، به: ساعی، ۱۳۹۷؛ آبراهامیان، ۱۳۷۷؛ مکی، ۱۳۶۰: ۲۴۰؛ آدمیت، ۱۳۹۴: ۲۰). افراد برجسته این دوره از اصلاحات عباس میرزا و میرزا تقی خان امیرکبیر بود. علاوه بر آنها میرزا حسین خان سپهسالار، میرزا ملکم خان و میرزا یوسف خان مستشارالدوله از چهره‌های شاخص اصلاح طلبی قبل از موج اول دموکراتیزاسیون در ایران به شمار می‌روند.

اولین حرکت اصلاحی را عباس میرزا با الهام از امپراتور عثمانی، سلطان سلیم سوم، عمدتاً در امور نظامی انجام داد. در تبریز یک مدرسه جدید توسط مسیونرهای مذهبی ایجاد کرد تا مسلمانان و مسیحیان در آنجا به تحصیل بپردازند (ر، ک، به: آبراهامیان، ۱۳۷۷؛ ساعی، ۱۳۹۷). عباس میرزا نخستین گروه دانشجویان ایرانی به اروپا جهت تحصیل و آموختن بعضی صنایع و علوم جدید مانند علوم نظامی، مهندسی، اسلحه سازی، نقشه برداری، دندان پزشکی و زبان‌های جدید اعزام کرد (ر، ک، به: آدمیت، ۱۳۹۴: ۲۱؛ آبراهامیان، ۱۳۷۷). اولین کسانی که برای آموزش علوم و فنون به اروپا فرستاده شدند دو نفر بودند که در سال ۱۱۹۰ه. ش برای تحصیل نقاشی و طب به انگلستان اعزام شدند (ر، ک، به: آدمیت، ۱۳۹۴: ۲۱؛ حاضری، ۱۳۷۳: ۲۸). پنج سال بعد در سال ۱۱۹۴ه. ش (۱۸۱۵) پنج نفر برای یادگیری زبان و حکمت طبیعی، مهندسی، طب، توپخانه، ریاضی و قفل و کلیدسازی به انگلستان اعزام شدند. در میان این افراد دو نفر به مقامات سیاسی رسیدند. مشیرالدوله، که بعدها رئیس شورای دولت شد، و میرزا محمد صالح شیرازی، که پس از بازگشت علاوه بر تاسیس اولین چاپخانه و روزنامه در ایران مترجم رسمی دولت و وزیر تهران شد (آدمیت، ۱۳۹۴: ۲۲).

دومین حرکت اصلاحی را میرزا محمد تقی خان فراهانی معروف به امیرکبیر آغاز

۱. سلطان سلیم (۲۴ دسامبر ۱۷۶۱ - ۲۹ ژوئای ۱۸۰۸) از سال ۱۷۸۹ تا ۱۸۰۷ سلطان امپراتوری عثمانی بود (شاه، شاه، ج ۱، ۱۳۷۰).

تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ایران و ترکیه: مطالعه موردی...؛ مرضیه ابوذری لطف و علی ساعی

کرد. امیر کبیر تجربه مسافرت به روسیه و حضور در امپراطوری عثمانی را داشت. مهمترین منبع الهام بخش اصلاحات امیر کبیر حضور او در مذاکرات ارزنة الروم^۱ به عنوان نماینده سیاسی ایران بود. مذاکرات ارزنة الروم نزدیک به چهار سال طول کشید و در این مدت امیر کبیر، به برنامه اصلاحات تنظیمات علاقمند شد و توانست از نزدیک با مصطفی رشیدپاشا صدراعظم و بنیانگذار تنظیمات و ماهیت اصلاحات وی آشنا شود (ر، ک، به: آدمیت، ۱۳۳۴؛ آبراهامیان، ۱۳۸۵).

جامعه ایران در دوره صدارت امیر کبیر سلسله‌ای از اصلاحات اقتصادی - اجتماعی را تجربه کرد که در زمینه اجتماعی آن دوره می‌توان آنها را از دلالت‌های مصداقی مدرنیزاسیون فرض کرد. برای مدرنیزاسیون دو بعد در نظر گرفته شده است: بعد توسعه اقتصادی و اجتماعی و بعد توسعه آموزشی. در اینجا نیز مانند ترکیه بر بعد توسعه آموزشی متمرکز شده‌ایم. در باب دلالت‌های مصداقی توسعه آموزشی باید گفت امیر کبیر با الهام از امپراتوری عثمانی به منظور ترویج علوم جدید و نوسازی آموزشی در سال ۱۸۵۰ اولین مدرسه مدرن به نام «دارالفنون»^۲ تاسیس کرد و برای تدریس در آن تعدادی معلم از اروپا استخدام کرد (ر، ک، به: آدمیت، ۱۳۳۴: ۱۴۵-۱۵۱؛ آدمیت، ۱۳۹۴: ۳۵). یکی دیگر از دلالت‌های مصداقی توسعه آموزشی اعزام دانشجو به خارج از کشور بود. اعزام شوندگان برای اولین بار تا حدودی دوره متوسطه را در ایران طی کرده و برای ادامه تحصیلات خود در سطح عالی به خارج می‌رفتند. از نظر تعداد نیز جهشی ایجاد شد به طوری که در سال ۱۳۲۷ که دانش آموزان دوره اول دارالفنون فارغ التحصیل شدند گروهی ۴۲ نفره متشکل از آنها و دیگران به فرانسه اعزام شدند. مقارن با این اعزام ۳۰ نفر کارآموز برای فرا گرفتن فن تلگراف برای آموزش به دوره یک ساله به تفلیس فرستاده شدند (حاضری، ۱۳۷۳: ۳۲-۳۳).

امیر کبیر در ادامه اولین روزنامه رسمی کشور با نام «وقایع الاتفاقیه» را در سال ۱۲۶۷ (۱۸۵۱) منتشر ساخت. ده سال بعد نام آن تغییر کرد و به عنوان اولین روزنامه مصور ایران با نام «روزنامه دولت علیه ایران» و بعدها به نام «روزنامه دولتی» و پس از

۱. هدف از این مذاکرات تثبیت خط مرزی میان ایران و عثمانی و رسیدگی به مسأله اقلیت‌های ایرانی در بین‌النهرین بود. (ر، ک، به: آدمیت، ۱۳۳۴).

۲. این واژه از دارالفنون عثمانی گرفته شده که به فرانسه آن را پلی تکنیک می‌گویند (مکی، ۱۳۶۰: ۱۳۹).

آن به نام «روزنامه ایران» تا انقلاب مشروطیت منتشر شد (ر، ک، به: آدمیت، ۱۳۳۴: ۱۶۰؛ آدمیت، ۱۳۹۴: ۳۵؛ اقبال آشتیانی، ۱۳۹۲: ۳۴۰).

ناصرالدین شاه بعد از قتل امیرکبیر حرکت مدرنیزاسیون و اصلاحی را به کندی ادامه داد. او دارالفنون را توسعه داد و چهل نفر از نخستین فارغ التحصیلان آن را به فرانسه فرستاد، دو مدرسه نظام، دو روزنامه رسمی، یک دارالترجمه و یک چاپخانه دولتی تاسیس کرد و در این دوره ۱۶۰ عنوان کتاب منتشر شد که این عناوین شامل ۸۸ درسنامه نظامی، خودآموز زبان و مبانی طب؛ ۴ عنوان زندگینامه مشاهیر اسلام؛ ۱۰ سفرنامه به غرب از جمله سفرنامه ناصرالدین شاه به اروپا؛ ۱۰ ترجمه آثار کلاسیک اروپایی؛ ۱۰ عنوان تاریخ ایران از جمله تاریخ ایران سرجان ملکم و تاریخ مختصر ایران مارکام و ۲۰ ترجمه از آثار اروپائیان درباره تاریخ غرب مانند: زندگینامه ناپلئون، نیکلای اول، فردریک کبیر، ویلهلم اول و لوئی پانزدهم؛ تاریخ مختصر رم، آتن، فرانسه، روسیه و آلمان منتشر شد (ر، ک، به: آبراهامیان، ۱۳۸۵).

در متن اجتماعی دوران قاجار فرآیند اصلاح و نوسازی و اعزام دانشجو به غرب و ترجمه آثار اروپائیان و ایجاد مراکز آموزشی جدید و ارتباط با غرب، آرای نو، آرزوهای نو، ارزش‌های نو و از این طریق اندیشمندان نو و روشنفکران را پدید آورد. این افراد گفتمان جدید سیاسی را تشکیل داده شروع به نقد استبداد سلطنتی و طرح ارزش‌های سیاسی جدید کردند (ر، ک، به: آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۵۶؛ ساعی، ۱۳۹۷: ۱۶). از مهم‌ترین روشنفکران و اصلاحگران نسل سوم می‌توان به میرزا حسین خان سپهسالار، میرزاملکم خان و میرزا یوسف خان مستشارالدوله اشاره کرد.

میرزا حسین خان سپهسالار: میرزا حسین ۱۰ سال وزیرمختار ایران در استانبول بود و پس از آن هم با رتبه سفیرکبیری دو سال دیگر در استانبول ماند. دوره دوازده ساله او در استانبول با جنبش مشروطه‌طلبی عثمانی مصادف بود. میرزا حسین خان سپهسالار با رهبران این نهضت مانند عالی پاشا، فواد پاشا و مدحت پاشا، نویسنده قانون اساسی عثمانی، دوستی داشت (ر، ک، به: آدمیت، ۱۳۹۴: ۴۴؛ آدمیت، ۱۳۹۲: ۱۲۷).

در ژانویه ۱۸۷۰ شاه او را به وزارت عدلیه و وظایف و اوقاف منصوب کرد (آدمیت، ۱۳۹۲) در ۲۳ سپتامبر ۱۸۷۱ ابتدا به سمت وزارت جنگ رسید و سپس وزیر اعظم شد. سپهسالار در اصلاح طرز حکومت به تاسیس دربار اعظم (باب عالی) در

تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ایران و ترکیه: مطالعه موردی...؛ مرضیه ابوذری لطف و علی ساعی

عثمانی) یا دارالشورای کبری اقدام کرد. به موجب لایحه‌ای که سپهسالار برای احداث این دستگاه تنظیم کرد اداره امور مملکت به عهده مجلس مشورت وزیران واگذار شد (آدمیت، ۱۳۹۴: ۸۵). آن شورا مرکب از صدر اعظم و نه وزیر بود. وزرا در برابر صدر اعظم و صدر اعظم در برابر شاه مسئولیت داشتند. عزل و نصب صدر اعظم توسط شاه و عزل و نصب وزرا به تعیین صدراعظم و به حکم شاه انجام می‌گرفت. مجلس مشورت وزرا مرکب از وزیران و صدراعظم بود. ناصرالدین شاه در ۲۰ شعبان ۱۲۸۹ تصویب و دستور اجرای آن را صادر کرد. مجلس مشورت وزرا در دوم شوال همان سال افتتاح گردید (آدمیت، ۱۳۹۴: ۶۰-۵۹). یکی دیگر از اقدامات سپهسالار تدوین قانوننامه تعیین حدود و تکالیف حکام و روسای قشون در ده ماده بود که بخشی از آن ناظر بر تفکیک امر حکومت از امر نظامی، تسلط حکام هر ولایتی بر رئیس سپاه و عدم مداخله لشکریان در کار اداره مملکت بود. او این قانون را در سال ۱۲۹۴ ه.ق به تصویب شاه رسانید (آدمیت، ۱۳۹۴: ۶۲). این قانون مترقی نشانه توجه سپهسالار به امر حکومت قانون بود. هدف قانون تنظیمات، تمرکز قدرت سیاسی در هیات دولت بود. این قانون سه سه جهت اصلی داشت: تعیین حدود حکام در رابطه با حقوق مردم، ایجاد مجلس تنظیمات و یکنواخت کردن اداره ولایات در پیوند نظام دولت متمرکز. قانون تنظیمات در ۱۲۹۱ ه.ق به مرحله اجرا درآمد. این قانون از افکار سپهسالار بود و در ۴۷ ماده نوشته شده بود. منطبق این قانون ناظر بر ایجاد محدودیت کامل بر قدرت حکام است و هدفش ایجاد دستگاه نظارت کننده بر اعمال حکومت ولایات است (آدمیت، ۱۳۹۲: ۲۱۸-۲۱۷).

روزنامه نگاری سهم مهمی در بیداری ایرانیان داشت. در دوره سپهسالار سانسور وجود نداشت البته نه آزادی کامل مطبوعات و نه سختگیری بی‌اندازه وجود داشت (آدمیت، ۱۳۹۲: ۳۸۸). در این دوره روزنامه‌های ایران، وقایع عدلیه، نظامی، مریخ، علمی و وطن فعال بودند. فن چاپ در این دوره رواج یافت (آدمیت، ۱۳۹۲: ۳۹۲). از مصادیق توسعه آموزشی در دوره سپهسالار بنای مدرسه رایگان مشیری، مجلس درس عمومی و کلاس تدریس زبان‌های خارجی بود. در سال ۱۲۸۸ او دستور تاسیس مکتب مجانی را صادر کرد و حسین خان صنیع الدوله مدیر آن شد. به تقاضای حسین خان آن را مدرسه مشیر نامیدند کلاس زبان‌های خارجی چهار زبان فرانسوی،

انگلیسی، روسی و ترکی استانبولی آموزش داده می‌شد. او همچنین در زمان صدارت توجهی به اصلاح و ترقی دارالفنون داشت. از دیگر مصادیق توسعه آموزشی مدرسه و کتابخانه سپهسالار در بهارستان است (آدمیت، ۱۳۹۲: ۴۵۸-۴۵۵).

به عنوان یک نتیجه باید گفت سپهسالار در پرتو مشاهده تغییرات دموکراتیک عصر تنظیمات و نهضت مشروطه عثمانی، برای اولین بار نهادهای محدودیت بخش رژیم مطلقه را تأسیس کرد و تا حدی قدرت دربار را به شورای وزیران منتقل کرد. از ویژگی‌های دوره سپهسالار قانونگذاری جدید، ترقی روزنامه نگاری، شناسایی حقوق ملت و دولت و تغییر منشأ قدرت حکومت است (آدمیت، ۱۳۹۲: ۴۷۳).

میرزا ملکم خان: مصداق یکی دیگر از کنشگران سیاسی در زمینه اجتماعی دموکراتیزاسیون در ایران است. شواهد تاریخی نشان می‌دهد ملکم خان مانند سپهسالار تحت تاثیر تغییرات سیاسی عصر مشروطه خواهی عثمانی و سلطنت مشروطه انگلیس ایده حکومت قانون را در ایران مطرح کرد. مساله میرزا ملکم خان نیز استبداد سلطنتی بود. ملکم خان زمانی با واقعیت حکومت مشروطه سلطنتی آشنا شد که او سمت سیاسی مستشار سفارت در استانبول کسب کرد که در دوره سفارت میرزا حسین خان سپهسالار صورت گرفت. زمانی که سپهسالار به سمت صدارت عظمی منصوب شد، ملکم مستشار صدارت عظمی گردید (آدمیت، ۱۳۹۴: ۷۱). ملکم خان در سال ۱۸۷۳ توسط میرزا حسین به عنوان وزیر مختار ایران در لندن تعیین شد (آدمیت، ۱۳۹۴: ۷۱).

تلاش‌های ملکم ناظر بر آزادی‌های فردی، اخذ تمدن غربی، اصلاح اساس حکومت و طرح قوانین مدنی و توسعه اقتصادی بود. یکی از آثار مهم ملکم رساله تنظیمات است که برای اصلاح طرز حکومت ایران نوشته است که ملهم از جنبش تنظیمات معاصر در امپراطوری عثمانی است (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۶۰). ملکم خان برای اصلاحات اصطلاح قانون را به کار می‌برد وی تأکید می‌کند که این قوانین جدید باید بر دو اصل مبتنی باشد: توسعه رفاه عمومی و برابری همه شهروندان (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۶۰). تئوری ملکم بر یک اصل کلی استوار است: تفکیک قوای دولت: دستگاه وضع قانون (شورای قانونگذاری) و دستگاه اجرای قانون (قوه اجرایی) (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۶۰). میرزا ملکم خان در نقد استبداد سلطنتی و نشر برنامه‌های اصلاحی خود از روزنامه قانون (چاپ لندن) استفاده می‌کرد. (آدمیت، ۱۳۹۴: ۱۰۹). به طور کلی تأکید اصلی

تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ایران و ترکیه: مطالعه موردی...؛ مرضیه ابوذری لطف و علی ساعی

روزنامه قانون نیاز به قوانین عقلانی (بشری)، آزادی بیان و ایجاد مجلس شورای ملی و حکومت پارلمانی در ایران بود (آدمیت، ۱۳۹۴: ۱۰۸).

میرزا یوسف خان مستشارالدوله (۱۸۲۳ - ۱۸۹۵) مستشارالدوله اصول افکار سیاسی خود را در رساله یک کلمه، بیان کرده است. رساله یک کلمه^۱ یکی از اولین آثار آزادیخواهان ایران به شمار می‌رود که در بیدار کردن مردم در آن زمان موثر بوده است. یک کلمه یکی از منابع مورد مطالعه مشروطه خواهان ایران بود و نوشته‌های او راهنمای سیاسی برای انجمن مخفی بود (آدمیت، ۱۳۹۴: ۱۴۵). او اولین نویسنده‌ای است که گفت منشأ قدرت دولت اراده جمهورملت است و نیز اولین بار در خصوص تفکیک قدرت دولت از قدرت روحانی سخن راند (آدمیت، ۱۳۹۴: ۱۴۰). مهمترین اصول رساله یک کلمه شامل موارد زیر است.

برابری در اجرای قانون؛ حریت شخصیه؛ امنیت جان و مال و عرض؛ آزادی مطبوعات؛ آزادی انجمنی اختیار و قبول ملت اساس همه تدابیر حکومت، این اصل مهمترین قانون است که منشأ حکومت را اراده ملت دانسته است؛ حق انتخاب و کلای مجلس قانونگذار از سوی مردم؛ تحریر و نشر دخل و خرج دولت که همان شفافیت است. بخشی از این اصول دلالت‌های معنایی اعلامیه حقوق بشر و لیبرالیزم را بازنمایی می‌کند. کتاب یک کلمه را می‌توان یکی از بنیان‌های معرفتی انقلاب مشروطه دانست. مستشارالدوله همواره مدافع آزادی و برابری و سلطنت مشروطه بود. در نامه‌ای که به ولیعهد مظفرالدین شاه نوشت، برقراری مساوات و تغییر سلطنت استبدادی را به مشروطه ضروری دانسته است (ر، ک، به: کرمانی، ۱۳۵۷: ۱۷۲).

علاوه بر روشنفکران اصلاح طلب بالا، میرزا محمدعلی خان تربیت و سیدحسن تقی زاده به عنوان روشنفکر نیز نقش مهمی در آینده انقلاب مشروطه ایفاء کردند. گروهی از روشنفکران در تهران انجمن معارف را برپا کردند و نخستین کتابخانه ملی کشور و ۵۵ مدرسه متوسطه خصوصی را در تهران تأسیس کردند. مخالفان حکومت به تشکیل سازمان‌های نیمه مخفی که در انقلاب مشروطیت نقش‌های مهمی داشتند، دست

۱. از نظر یوسف خان ترقیات و مدنیت به مثابه نتایج از مقدمه یک کلمه قانون می‌آید (ر، ک، به: ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۵۷ ج ۱: ۱۷۰)

زدند، مانند مرکز غیبی، حزب اجتماعیون عامیون، جامعه آدمیت، کمیته انقلابی و انجمن مخفی. اعضای کمیته انقلابی از پنجاه و هفت روشنفکر رادیکال که همه از طریق دارالفنون یا از تحصیل کردگان اروپایی بودند، تشکیل شده بود. آنان در جلسه-ای مخفی در سال ۱۲۸۳ طرحی برای سرنگونی استبداد و برقراری حکومت عدل و قانون تهیه کردند. به منظور اشاعه مفاهیم دموکراسی مشروطه در میان توده‌های مردم از موعظه، سخنرانی، روزنامه، انتشارات و ترجمه استفاده می‌کردند. اعضای مهم این کمیته که در انقلاب مشروطه نقش داشتند، ملک المتکلمین، سیدجمال‌الدین واعظ اصفهانی، حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی، علیقلی خان سردار اسعد بختیاری، یحیی میرزا اسکندری و سلیمان میرزا اسکندری بودند (آبراهامیان، ۱۳۸۵: ۷۳-۷۲).

شواهد ارایه شده در بالا دلالت بر آن دارد که در متن اجتماعی موج اول دموکراتیزاسیون در ایران، عاملیت کنشگران سیاسی به خلق فرایند نوسازی و اعزام دانشجویان به خارج و ایجاد مراکز آموزشی نوین به ظهور قشرهای اجتماعی جدید منجر شد. این افراد گفتمان جدید سیاسی را تشکیل داده، شروع به نقد استبداد سلطنتی و طرح ارزش‌های جدید سیاسی کردند. قشرهای اجتماعی جدید که نظام معنای - ذهنی آنان محصول جامعه‌پذیری علمی و آموزش‌های نوین بود از آگاهی‌های طبقاتی و سیاسی برخوردار بوده، انتظارات ارزشی جدیدی مانند دفاع از اصول لیبرالیسم، ناسیونالیسم، استقلال سیاسی، اقتصادی و تاکید بر آموزه‌های علمی و عقلانی، را مطرح می‌کردند. در مقابل، نهادهای سیاسی مسلط توانایی حل مسایل جدید را نداشتند. این شرایط به بحران سیاسی منجر شده بود. در این شرایط بحران، نظام سیاسی حاکم در اثر ناکارآمدی در حل مسایل موجود مشروعیت سیاسی خود را از دست داده، به موازات آن فکر مشروطیت شکل گرفت (ر، ک، به: آبراهامیان، ۱۳۸۵: ۷۳-۷۲؛ ساعی، ۱۳۹۷: ۱۷-۱۶).

در اردیبهشت ۱۲۸۴ مطابق با آوریل ۱۹۰۵ حدود دویست نفر از صرافان و بازرگانان تهران علاوه بر اینکه مغازه‌های خود را تعطیل کردند یک رشته اصلاحات اقتصادی را نیز مطالبه کردند. در ادامه دو هزار نفر از روحانیون، اصناف و بازرگانان در اعتراض به فلک شدن دو تاجر سرشناس، در حرم عبدالعظیم بست نشستند. آنها خواستار عزل صدر اعظم و برپایی عدالتخانه شدند. دوره دیگر اعتراض‌های مردم در تابستان ۱۲۸۵ مطابق با ۱۹۰۶ آغاز شد. این اعتراض ۱۵ کشته برجای گذاشت. به دنبال

تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ایران و ترکیه: مطالعه موردی...؛ مرضیه ابوذری لطف و علی ساعی

آن دو اتفاق رخ داد. حدود دو هزار روحانی به قم مهاجرت کردند. تعدادی از معترضان در سفارت بریتانیا تحصن کردند که در روز ۱۰ مرداد ۱۲۸۵ تعداد این افراد به ۱۴ هزار نفر رسید (ر، ک، به: فوران، ۱۳۸۲: ۲۶۳-۲۶۲). خواسته معترضین ابتدا تاسیس عدالتخانه و سپس مجلس ملی موسسان و حکومت قانون بود. عده‌ای از روشنفکران و از جمله علی مسیو مقاومت تبریز را ساماندهی کردند. دربار ابتدا معترضان را گروهی خائن مذکور انگلیس خواند، اما با تشدید اعتراض‌ها و اعتصاب‌ها و سیل تلگرام از ایالات به پشتیبانی از معترضان روبرو شد. در درون حکومت شکاف فزاینده بین محافظه‌کاران و اصلاح‌طلبان رخ داد. سرانجام در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ مظفرالدین شاه فرمان گشایش مجلس ملی موسسان را امضا کرد (آبراهامیان، ۱۳۸۵: ۷۸-۷۴). با صدور فرمان مشروطیت از سوی مظفرالدین شاه مرحله اول دموکراتیزاسیون در ایران، شکست رژیم اقتدارگرا، در سال ۱۲۸۵ محقق شد.

تحلیل تطبیقی

در این قسمت بر مبنای داده‌های تجربی تحلیل درون کشوری دموکراتیزاسیون در دو کشور ترکیه و ایران، تحلیل مقایسه‌ای بین کشوری ارائه شده است. در اینجا این سوال مطرح می‌شود که: شکست رژیم اقتدارگرا در دو کشور ترکیه و ایران چگونه قابل تبیین است؟. در پاسخ به این سوال، واقعه شکست رژیم اقتدارگرا در پرتو مدل نظری این پژوهش و از طریق تحلیل تطبیقی مبتنی بر ترکیب علی چندگانه شروط علی ناظر بر دموکراتیزاسیون ارائه می‌شود.

جدول ۳: جدول ارزش

کشور	توسعه آموزشی A	عاملیت کنشگران اجتماعی B			عاملیت کنشگران سیاسی C		نتیجه
		۱	۲	۳	۱	۲	
ترکیه	حاضر	۱	۲	۳	۱	۲	دموکراتیزاسیون: شکست رژیم اقتدارگرا
ایران	حاضر	۱	۲	۳	۱	۲	دموکراتیزاسیون: شکست رژیم اقتدارگرا

نتیجه: دموکراتیزاسیون: شکست رژیم اقتدارگرا A. توسعه آموزشی؛ B. عاملیت کنشگران اجتماعی: ۱. خلق جنبش مشروطه خواهی، ۲. تشکیل انجمن یا تشکیل اجتماعات، ۳. ائتلاف، ۴. مذاکره یا سازش؛ C. عاملیت کنشگران سیاسی: ۱. خلق جنبش مشروطه خواهی، ۲. استراتژی مذاکره یا سازش.

فرض ما آن است که موج دوم دموکراتیزاسیون در ترکیه عثمانی و موج اول آن در ایران نتیجه ترکیب عطفی^۱ سه شرط علی^۲ ناظر بر توسعه آموزشی و کیفیت عاملیت کنشگران سیاسی و اجتماعی است. اگر توسعه آموزشی باشد و الگوی رابطه میان کنشگران سیاسی و اجتماعی مبتنی بر خلق جنبش مشروطه خواهی، ائتلاف یا مذاکره یا سازش یا تشکیل انجمن‌های مدنی باشد، موج دموکراتیزاسیون رخ می‌دهد. این ادعا از طریق داده‌های تاریخی مورد تحلیل تجربی قرار می‌گیرد. بر مبنای داده‌های جدول ۳، معادله ترکیب عطفی شروط علی دموکراتیزاسیون به شرح زیر است:

$$\text{Outcome (دموکراتیزاسیون در ترکیه عثمانی)} = F(A) B(1+2+3) C(1+2)$$

$$\text{Outcome (دموکراتیزاسیون در ایران)} = F(A) B(1+2+3) C(1+2)$$

$$\text{Outcome (شکست رژیم اقتدارگرا در ترکیه)} = F(ABC).$$

$$\text{Outcome (شکست رژیم اقتدارگرا در ایران)} = F(ABC).$$

در این دو گزاره منطقی علامت جمع معادل «یا منطقی»، «The Logical OR» است. علامت ضرب اشاره به «و منطقی»، «The Logical AND» دارد.

پیامد: شکست رژیم اقتدارگرا.

علت A = توسعه آموزشی.

علت B = عاملیت کنشگران اجتماعی.

علت C = عاملیت کنشگران سیاسی.

بر اساس شواهد موجود در تحلیل درون‌کشوری می‌توان گفت که ایران و ترکیه عثمانی دموکراتیزاسیون، شکست رژیم اقتدارگرا، را به ترتیب در ۱۹۰۶ و ۱۹۰۸ تجربه کرده‌اند. در دوره مورد مطالعه، موج دموکراتیزاسیون در ایران و ترکیه عثمانی، توسعه آموزشی رخ داده‌است. در این مقاله توسعه آموزشی یکی از دلالت‌های مصداقی عاملیت کنشگران سیاسی است. توسعه آموزشی در مرحله بعد به مثابه یک شرط علی

1. Conjectural Combination
2. Causal Condition

تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ایران و ترکیه: مطالعه موردی...؛ مرضیه ابوذری لطف و علی ساعی

ساختاری فرایند دموکراتیزاسیون را در هر دو کشور از طریق تولید کنشگران اجتماعی جدید تسهیل کرد. شواهد تاریخی موجود نشان می‌دهد که در این دو کشور گذار دموکراتیک از نوع گذار جابجایی بوده است. شرط لازم و نه کافی^۱ برای گذار جابجایی، توازن قدرت میان کنشگران سیاسی حاکم و کنشگران اجتماعی مخالف است که گزاره‌های مشاهده‌ای موجود صدق این توازن را تأیید می‌کند. شواهد تاریخی نشان می‌دهد هم در ترکیه عثمانی و هم در ایران جنبش اعتراضی مخالفان در زمینه اجتماعی دموکراتیزاسیون تجربه شد. این جنبش در ترکیه عثمانی توسط گروهی از روشنفکران، ترکان جوان، رهبری می‌شد. کنشگران مرکزی این جنبش افرادی مانند احمد رضا و محمد مراد افندی بودند. در درون رژیم اقتدارگرا گروهی از افسران جوان از جمله نام مصطفی کمال یک گروه زیرزمینی به نام انجمن وطن، که بعدها به انجمن وطن و آزادی تغییر یافت، تشکیل دادند. آنان در بیانیه‌های خود خواستار اجرای کامل قانون اساسی از سوی سلطان و حکومت قانونی شده بودند. این گروه از نظامیان نیز مطالبات اصلاح طلبانه داشتند. در ادامه مصطفی کمال این گروه را تحت عنوان جمعیت آزادی عثمانی سازماندهی کرد. در خارج از کشور یک نهضت انقلابی به نام کمیته اتحاد و ترقی تأسیس شده بود. این دو گروه تحت عنوان تشکیلاتی کمیته اتحاد و ترقی، در سپتامبر ۱۹۰۷ برای احیای قانون اساسی با یکدیگر ائتلاف کردند. در ۲۷ دسامبر ۱۹۰۷ کنگره ترک‌های جوان در قالب تشکیلاتی تحت عنوان کمیته اتحاد و ترقی در پاریس برگزار شد. در اعلامیه پایانی این کنگره که در تاریخ ۲۹ دسامبر ۱۹۰۷ اعلام شد، بر خلع سلطان عبدالحمید از سلطنت و استقرار حکومت مشروطه تأکید گردید. در ۲۳ جولای ۱۹۰۸ تحت فشار کنشگران این کمیته و نیروی‌های اجتماعی جدید و گروه‌های مخالف سیاسی و نظامی، سلطان عبدالحمید دوم پارلمان را که در قانون اساسی ۱۸۷۶ پیش‌بینی شده بود، احیا کرد.

در باب ایران باید گفت شواهد نشان می‌دهد کنشگران مخالف رژیم، که تعدادی از آنان از فارغ التحصیلان دارالفنون یا از تحصیل کردگان اروپا بودند، به تشکیل

۱. علتی، شرط لازم و نه کافی (Necessary but not sufficient) است که در ترکیب با علت‌های دیگر به نتیجه منجر شود و در همه ترکیب‌های دیگر حضور داشته باشد (ساعی، ۱۳۹۲: ۱۶۴).

سازمان‌های نیمه مخفی مانند مرکز غیبی، حزب اجتماعیون عامیون، جامعه آدمیت، کمیته انقلابی و انجمن مخفی دست زدند. این گروه‌های مخالف خواستار سرنگونی رژیم استبدادی و برقراری حکومت قانون بودند. روشنفکران مخالف رژیم مانند، میرزا ملکم خان، میرزا محمدعلی خان تربیت و سید حسن تقی زاده، ملک المتکلمین، سیدجمال الدین واعظ اصفهانی، حاج میرزا یحیی دولت آبادی، علیقلی خان سردار اسعد بختیاری، یحیی میرزا اسکندری و سلیمان میرزا اسکندری با حمایت گروه‌های اجتماعی سنتی، مانند بازاریان و روحانیون جنبش اعتراضی علیه رژیم اقتدارگرای حاکم ساماندهی کردند. در درون حکومت شکاف فزاینده بین محافظه کاران و اصلاح طلبان رخ داد. در مقابل، نهادهای سیاسی مسلط توانایی حل مسایل جدید را نداشتند. این شرایط به بحران سیاسی منجر شده بود. سرانجام در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ مظفرالدین شاه تحت فشار اصلاح طلبان درون حاکمیت و نیروهای اجتماعی جدید فرمان گشایش مجلس ملی موسسان را امضا کرد. با صدور فرمان مشروطیت از سوی مظفرالدین شاه شکست رژیم اقتدارگرا و مرحله اول دمکراتیزاسیون در ایران در سال ۱۲۸۵ محقق شد. به‌عنوان یک نتیجه می‌توان گفت نقطه آغازین موج دمکراتیزاسیون در ترکیه عثمانی و ایران نتیجه نزاع^۱ میان کنشگران سیاسی حاکم و کنشگران اجتماعی مخالف بود. در ادامه این نزاع، نیروهای اجتماعی جدید از طریق نقد رژیم اقتدارگرا اعتراضات سیاسی را ساماندهی کردند. در این دو کشور موازنه قدرت میان دو نیروی سیاسی و اجتماعی مخالف برقرار شد. نتیجه منطقی این شرایط که شواهد تجربی نیز آن را تأیید می‌کند، مذاکره و سازش میان کنشگران سیاسی حاکم و کنشگران اجتماعی مخالف است. این مذاکره و سازش محصول عدم توانایی سرکوب مخالفان توسط کنشگران سیاسی اقتدارگراست.

۵- نتیجه‌گیری

در این قسمت تلاش شده‌است پیامدهای ناظر بر دلالت نظری و عملی این پژوهش برجسته شود. یکی از نتایج این پژوهش آن است که گزاره‌های مشاهده‌ای موجود در

1. Contention

تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ایران و ترکیه: مطالعه موردی...؛ مرضیه ابوذری لطف و علی ساعی

ترکیه عثمانی دلالت بر آن دارند که نظامیان در فرایند گذار عاملیت داشتند. در حالی که نظامیان در ایران فاقد عاملیت بودند (جدول ۴). این یافته تجربی می‌تواند یکی از دلالت‌های نظری این پژوهش محسوب شود.

جدول ۴: ترکیب شروط علی

کشور	توسعه آموزشی	عاملیت کنشگران سیاسی اصلاح طلب/اقتدارگرا	عاملیت کنشگران اجتماعی	عاملیت نظامیان	نتیجه
ترکیه	حاضر	استراتژی‌های توسعه آموزشی یا مذاکره و سازش یا عدم توانایی سرکوب مخالفان	ائتلاف یا مذاکره یا سازش یا نقد رژیم اقتدارگرا	ائتلاف یا مذاکره یا حمایت از دموکراتیزاسیون	دموکراتیزاسیون
ایران	حاضر	استراتژی‌های توسعه آموزشی یا مذاکره و سازش یا عدم توانایی سرکوب مخالفان	ائتلاف یا مذاکره یا سازش یا نقد رژیم اقتدارگرا	-	دموکراتیزاسیون

در باب دلالت عملی این پژوهش باید گفت از یافته‌های این تحقیق می‌توان الهام گرفت و برای موفقیت دموکراتیزاسیون برای ترکیه و ایران راه عملی گشود. گام نخست فهم دموکراتیزاسیون باید به مثابه امر درون زایی باشد. اساساً موفقیت دموکراتیزاسیون وابسته به عاملیت کنشگران سیاسی و اجتماعی است. یکی از راهبردهای پیشنهادی این پژوهش ناظر بر انتخاب‌های استراتژیک کنشگران سیاسی و اجتماعی است. استفاده از کنش‌های مبتنی بر مصالحه، مذاکره و ائتلاف میان کنشگران سیاسی و کنشگران اجتماعی و ترویج رفتارهای دموکراتیک مانند گفتگو میان کنشگران است. راهبردهای دیگر تلاش بر تأسیس شبکه‌های اجتماعی است. این شبکه‌ها هم در واقعه مشروطه خواهی در ایران (رک به: ساعی، ۱۳۹۷) و هم در مشروطه دوم عثمانی نقش مهمی در گذار دموکراتیک داشته‌اند. شبکه ترکان جوان در ترکیه عثمانی مصداقی از این سخن است. اساساً در این شبکه‌های اجتماعی انباشت منافع جمعی حاصل می‌شود، انرژی‌های پراکنده متراکم می‌شوند و اعضای شبکه به طرف یک هدف معین، در اینجا دموکراتیزاسیون، هدایت می‌شوند. هر چه این شبکه‌ها قوی‌تر باشد امکان گفتگو، مصالحه، ائتلاف به سود دموکراتیزاسیون بیشتر می‌شود.

منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۵). ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس آوری و محسن مدیرشانه چی، تهران: نشر مرکز، چاپ دهم.
- آدمیت، فریدون (۱۳۹۴). فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، تهران: نشره گستره. (به اهتمام سید ابراهیم اشک شیرین).
- آدمیت، فریدون (۱۳۳۴). امیر کبیر و ایران، تهران، انتشارات خوارزمی.
- آدمیت، فریدون (۱۳۹۲). اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار، تهران: انتشارات خوارزمی.
- ابوذری لطف، مرضیه (۱۳۹۸). رساله دکتری تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ایران و ترکیه ۱۹۲۵-۱۹۰۶، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- اتابکی، تورج، زورخر، اریک یان (۱۳۸۵). تجدد آمرانه: جامعه و دولت در عصر رضاشاه، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: انتشارات ققنوس.
- اتحادیه، منصوره (۱۳۶۱). پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت (دوره اول و دوم مجلس شورای ملی): تهران: گستره.
- اینالجیق، خلیل، سیددانی اوغلو، محمد (۱۳۹۱). امپراتوری عثمانی در عصر دگرگونی تنظیمات، ترجمه غلامرضا برهمند، تهران: انتشارات پژوهشکده تاریخ اسلام.
- امامی خویی، محمدتقی (۱۳۹۵). تاریخ امپراطوری عثمانی، تهران: انتشارات سمت.
- انتخابی، نادر (۱۳۹۵). دین، دولت و تجدد در ترکیه، چاپ دوم، تهران: انتشارات هرمس.
- بشیری، حسین (۱۳۸۶). گذار به مردم سالاری (گفتارهای نظری)، تهران: انتشارات نگاه معاصر.
- حضرتی، حسن (۱۳۸۹). مشروطه عثمانی، تهران: انتشارات پژوهشکده تاریخ اسلام.
- ساعی، علی (۱۳۹۷). دموکراتیزاسیون در ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات آگاه.
- ساعی، علی (۱۳۹۲). روش پژوهش تطبیقی با رویکرد تحلیل کمی، تاریخی و فازی، تهران: نشر آگه.
- ساعی، علی، ابوذری لطف، مرضیه (۱۳۹۹). تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ایران و ترکیه ۱۹۱۳-۱۹۰۶، دو فصلنامه جامعه شناسی تاریخی دوره ۱۲، شماره ۲، پاییز و زمستان.
- شجعی، زهرا (۱۳۷۲). نجنگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی، تهران: نشر سخن.

تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ایران و ترکیه: مطالعه موردی...؛ مرضیه ابوذری لطف و علی ساعی

شاو، استفورد جی، شاو، ازل کورال (۱۳۷۰). تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه مدرن، جلد دوم، ترجمه محمود رمضان زاده، مشهد: آستان قدس رضوی.

فوران، جان (۱۳۷۷). مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، انتشارات رسا، نشر مرکز.

لوئیس، برنارد (۱۳۷۲). ظهور ترکیه نوین، ترجمه محسن علی سبحانی، تهران: انتشارات مترجم.
راینسون، ریچارد (۱۳۵۷). جمهوری اول ترکیه، ترجمه ایرج امینی، انتشارات فرانکلین.
هاتینگتون، ساموئل (۱۳۹۴). موج سوم دموکراسی، ترجمه احمد شهسا، چاپ ششم، انتشارات روزنه.

همایون کاتوزیان، محمد علی (۱۳۸۱). تضاد دولت و ملت نظریه تاریخ و سیاست در ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر نی.

همایون کاتوزیان، محمد علی (۱۳۷۹). اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز.

همایون کاتوزیان، محمد علی (۱۳۹۱). دولت و جامعه در ایران، انقراض قاجار و استقرار پهلوی، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز.

همایون کاتوزیان، محمد علی (۱۳۹۷). ایرانیان دوره باستان تا دوره معاصر، ترجمه حسین شهیدی، چاپ سیزدهم، تهران: نشر مرکز.

یاغی، اسماعیل احمد (۱۳۸۳). دولت عثمانی اقتدار تا انحلال، ترجمه رسول جعفریان، تهران: انتشارات موسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.

Diamond, Larry and Morlino (2004). The Quality of Democracy, Stanford University. Available at <http://cddr.stanford.edu>.

Feroz, Ahmad (1993). the making of modern Turkey, London and New York

Gill, Graeme (2000). the Dynamics of Democratization Elites, Civil Society and the Transition Process, Published in the United States of America by ST. Martin's Press, INC.

Higley, John and Burton, Michael G (1987). Elite Settlements, American Sociological Review, Vol. 52, No. 3. (Jun., 1987), pp. 295-307.
<http://gozarestan.ir/show.php?id=165>

Huntington, Samuel P (1993). The Third Wave: Democratization in the Late Twentieth Century, The third wave: Democratization in the late twentieth century (Vol. 4). University of Oklahoma press.

Inglehart, Ronald; Welzel, Christian (2005). Modernization, Cultural

Change, and Democracy, the Human Development Sequence, Cambridge University Press

Karl, Terry Lynn (1990). "Dilemmas of Democratization in Latin America", Comparative Politics, Vol. 23, No. 1. (Oct., 1990), pp. 1-21.

Karl, Terry Lynn and Schmitter, Philippe C. (1991). Modes of transition in Latin America, Southern and Eastern Europe, International social science journal 43 (2), pp 269-284, Blackwell Publishers Ltd.

Kayali, Hasan. (1995). Elections and the Electoral Process in the Ottoman Empire, 1876–1919, International Journal of Middle East Studies, Volume 27, Issue 3, pp. 265-286.

Lipset, Seymour Martin (1994). The Social Requisites of Democracy Revisited, in American Sociological Review, Albany, Vol. 59.

Ozbudun, Ergun and Genckaya, Omer F. (2009). Democratization and the Politics of Constitution-Making in Turkey, Central European University Press.

Ragin C.Charles, the Compative Method (1989). Univercity of California.

Rustow, Dankwart.A (1970). Transitions to democracy: Toward a dynamic model. Comparative politics, 2(3), pp.337-363.

Ragin, Charles C and Rihoux Benoît (2009). Configurational Comparative Methods: Qualitative Comparative Analysis (QCA) and Related Techniques, SAGE.

Saei, Ali (2021). A Comparative Study of Democratization in Iran and Turkey (1839-2020), Tarbiat Modares Univercity (Publishing) .

Stanford j. Shaw and Ezel Kural Shaw (2002). History of the Ottoman Empire and Modern Turkey: Cambridge Universiti Press.

Vanhanen, Tatu (2003). Democratization: A Comparative Analysis of 170 Countriros, Routledge.

Zurcher, Erik j (2004). Turkey: A Modern History, palgrav Macmillan.

